

**Civilizational Criteria of the Governmental System of
the Prophet of Islam (PBUH)**

Received: 2021/4/21 Accepted: 2021/9/1

Habib Zamani Mahjoub*

(100-117)

During his prophecy, the holy Prophet of Islam (PBUH) could turn the primitive society which was full of biases and superstitions to a developed Islamic society by his great efforts and the efforts of his companions and established the intellectual, cultural, social, political and economic foundation of the Islamic civilization based on the teachings of the Holy Quran in his governmental system.

Using descriptive and analytic method, the present article seeks to answer this fundamental question that: What are the civilizational criteria of the governmental system of the Prophet of Islam? The findings show that the governmental system of the holy Prophet (PBUH) had seven basic criteria: faith and spirituality, justice, knowledge, brotherhood, ethical and behavioral goodness, authority and dignity, and work and permanent movement and progress.

Keywords: The Prophet of Islam (PBUH), Islamic Civilization, Religion, Governmental System.

*. Assistant Professor of Islamic History and Civilization, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran-
zamani1358@Gmail.com.



شاخص‌های تمدنی نظام حکومتی پیامبر اسلام ﷺ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

حبیب زمانی محبوب*
(۱۴۹-۱۶۶)

چکیده

پیامبر اسلام ﷺ در طول دوران رسالت خویش توانست جامعه بدوی آلوده به تعصبات و خرافات را با مجاهدت عظیم خود و اصحابشان، به جامعه مترقی اسلامی تبدیل کند و در نظام حکومتی خود، شالوده و منظومه فکری فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تمدن اسلامی را بر پایه آموزه‌های قرآن کریم استوار سازد.

این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی، در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که نظام حکومتی پیامبر اسلام چه شاخص‌های تمدنی دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نظام حکومتی رسول خدا ﷺ دارای هفت شاخص اساسی بود: ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، و کار و حرکت و پیشرفت دائمی.

واژگان کلیدی: پیامبر اسلام ﷺ، تمدن اسلامی، دین، نظام حکومتی

*. استادیار تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران-

مقدمه

از نظر شهید مطهری، تمدن بشر دو جنبه دارد: نخست جنبه مادی تمدن که فنی و صنعتی است و دیگری جنبه معنوی تمدن که مربوط به روابط انسانی انسان‌هاست. جنبه معنوی تمدن، مرهون تعلیمات پیامبران است و در پرتو همین جنبه است که جنبه‌های مادی تمدن مجال رشد می‌یابند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۶۹). بر همین مبنا معتقدیم پیامبر اسلام ﷺ در دوران رسالت خود، حرکت تمدنی ایجاد کردند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در عید مبعث در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۹) و عصر رسالت، عصر تأسیس تمدن اسلامی و پایه‌گذار تمدن اسلامی، وجود نبی مکرم اسلام ﷺ است.

اگر منظور از تمدن‌سازی پیامبر ﷺ، معنای فیزیکی آن است، می‌توانیم بگوییم پیامبر ﷺ در مدینه حکومت تشکیل دادند و نظام‌سازی کردند و نشان دادند دین اسلام افزون بر بیان عقاید و احکام، نظام مناسب سیاسی، اقتصادی و... نیز ارائه داده است؛ اما اگر تمدن را به معنای سامان بخشیدن به رابطه انسان با انسان در نظر بگیریم، که در این تحقیق منظور همین است، رسالت پیامبر ﷺ ایجاد نظام مناسبات انسانی و متریقی با هدف تربیت و تعالی انسان‌ها برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بود.

مصادر و عوامل ذاتی و موجد فرهنگ و تمدن اسلامی قرآن و سنت است. قرآن، وحی الهی و سرمایه اصلی و دربردارنده و ارائه‌کننده مبانی، اصول، سیاست‌گذاری‌ها، و اهداف فرهنگ و تمدن اسلامی، و سنت و سیره رسول خدا ﷺ اسوه^۱ و الگوی ثابت فطری، عقلانی، انسانی، اجتماعی، و تاریخی آن است که حیات و نیازهای جامعه بشری، با توجه به متغیرها و مقتضیات عصری و نسلی، باید با آن انطباق داده شود (بیات و طلوع برکاتی، ۱۳۹۳: ۲۱۱). یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی برای حکومت‌های دینی، سیره عملی و نظری پیشوایان و بزرگان دین در حوزه‌های گوناگون است. محوریت سیره نبوی در فرهنگ و

۱. خداوند متعال بر اساس سه شأن بشری (توبه: ۱۲۸؛ ابراهیم: ۱۱؛ کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶)، تشریعی (ابلاغ وحی و احکام دین) و تنفیذی (اجرایی و مدیریتی)، شخصیت رسول خدا را به‌عنوان اسوه معرفی کرده است (بیات و طلوع برکاتی، ۱۳۹۳: ۲۱۴): «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱).

تمدن اسلامی ایجاب می‌کند که افزون بر شناسایی وجوه مختلف این سیره، اصول انسان‌شناختی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و کارکردی سیره پیامبر ﷺ برای ساخت و حفظ فرهنگ و تمدن اسلامی استخراج شود. باتوجه به آرمان انقلاب اسلامی که به دنبال ایجاد تمدن نوین اسلامی است، ضرورت تبیین فرهنگ تمدن‌سازی پیامبر ﷺ به عنوان الگوی مناسب، بیش از پیش نمایان می‌شود. البته نمی‌توان ادعا کرد نظام‌های اجتماعی مورد نیاز تمدن به صورت کامل و آماده الگوبرداری، در سیره نبوی موجود است، اما وجود چهارچوب‌های اصیل و ساختاری تمدن در آن انکارناپذیر نیست و می‌توانیم از این ظرفیت عظیم برای تدوین نظام‌های اجتماعی در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی استفاده کنیم (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

در مدینه النبی ارکان اصلی نظام حکومتی پیامبر ﷺ، یعنی قانون، حکومت، امت و سرزمین، در کنار یکدیگر قرار گرفتند و به خودی خود نظام اسلامی به وجود آمد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۳۱). مقام معظم رهبری، سیره نبی اکرم ﷺ در دوره ده‌ساله حاکمیت در مدینه را یکی از درخشان‌ترین دوره‌های حکومت در طول تاریخ بشری برمی‌شمارند که پیامبر ﷺ با شالوده‌ریزی نظام اسلامی الگو و نمونه‌ای مناسب از حاکمیت اسلام برای همه زمان‌ها و دوران تاریخ انسان در همه جا نمودار ساختند. ایشان نظام حکومتی رسول خدا ﷺ را مبتنی بر هفت شاخص اساسی می‌دانند: ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، و کار و حرکت و پیشرفت دائمی (خامنه‌ای دامپله، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۷). این نوشتار در پی تبیین این شاخص‌های تمدنی نظام حکومتی پیامبر ﷺ است.

ایمان و معنویت

بی‌گمان اساسی‌ترین شاخص تمدن اسلامی، توجه به عوامل معنوی است. دال مرکزی اختلاف ما با تمدن رقیب، یعنی غرب، همین مسئله است: تأکید بر عامل ایمان و معنویت. عدالت، علم و... در تمدن غرب و بقیه تمدن‌ها هست، اما توجه به ایمان و معنویت در بقیه

تمدن‌ها مورد توجه کمتری است و به نوعی خاص تمدن اسلامی است.^۱ از همین رو، وجه مشترک نظرهای متفکران اسلامی درباره تمدن‌سازی اسلامی، «توحیدمحوری و حاکمیت ارزش‌های معنوی» است. شاید بتوان گفت همزادی دین و تمدن نیز در همین شاخص نهفته است (نصر، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

نخستین هدف بعثت پیامبران، سوق دادن انسان‌ها و جوامع بشری به سوی خداست.^۲ رسالت پیامبر اعظم ﷺ نیز در همین مسیر بود. از همین رو، از منظر مقام معظم رهبری، شاخص اول و پیش‌برنده حقیقی نظام نبوی، تقویت روح ایمان و معنویت و دادن اعتقاد و اندیشه درست به افراد است (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸).

در جامعه‌ای که لذات جسمانی و هواهای نفسانی اصل بود و هدف از خلقت را بهره‌گیری از لذات دنیوی می‌دیدند و شعار «مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (جاثیه: ۲۴) را مبنای زندگی قرار داده بودند، پیامبر اعظم ﷺ تمدنی را بنیان گذاشتند که ستون خیمه آن خدامحوری، اطاعت از فرمان‌های الهی و نفی خدایان دروغین و اجتناب از طواغیت بود. آنچه در دوره پیامبر ﷺ می‌درخشد، ایمان و معیار قرار گرفتن آن در طبقه‌بندی اجتماعی است. این معیار یکی از نقطه‌های درخشان تاریخ اسلام است. تأکید بر ایمان و معنویت باعث شد انسان از قید و زنجیرهای اسارت‌بار و حقارت‌آمیز خود رهایی یابد و مانند عمارها و ابوذرها که قبل از اسلام در قید و بند مستکبران بودند، به انسان رهاشده تبدیل شود و در سیر تطور تمدن اسلامی به انسانی تأثیرگذار تبدیل شود.

۱. وقتی به تخت جمشید می‌نگریم، قطعاً غروری از فرهنگ و تمدن ایرانی ما را فرامی‌گیرد؛ اما این سؤال در ذهن ما تداعی می‌شود که بنای تخت جمشید به چه بهایی ساخته شده است؛ یا وقتی به ساختمان اهرام مصر می‌نگریم، صدای شکستن استخوان‌های مستضعفانی را می‌شنویم که آن سنگ‌های بزرگ را بر دوش کشیدند تا آن بنای عظیم ساخته شود؛ در صورتی که وقتی به مسجد می‌نگریم، بُعد معنوی آن ما را فرامی‌گیرد و عشق و علاقه و داوطلبی، ایثار و مجاهدت برای ایجاد این بنای رفیع دیده می‌شود؛ و این تفاوت تمدن‌های دیگر با تمدن معنوی اسلام است.

۲. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)؛ و همانا ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از طاعت دوری کنید.»

بر همین اساس، خدامحوری و ایمان را باید مهم‌ترین شاخصه جامعه و تمدن مدنظر پیامبر ﷺ و مهم‌ترین عامل پیشرفت اسلام دانست.

عدالت

برپایی قسط و عدل، از بزرگ‌ترین آرمان‌های بشر و از والاترین اهداف و رسالت‌های انبیا، از جمله نبی مکرم اسلام ﷺ بوده است (حدید: ۲۵).^۱ خصوصیت اصلی جاهلیت پیش از اسلام ظلم و ستم بود. ستمگری عرف رایج و قبیله‌گرایی و تبعیض بنای زندگی و نظام جاهلی بود. اهمیت و ارزش اقدام رسول خدا ﷺ در این است که در چنین جامعه‌ای، از قسط و عدل سخن گفتند و خود را مأمور به رفتار عادلانه دانستند (شوری: ۱۵).^۲

قواعدی که در سیره و حرکت تمدنی پیامبر ﷺ وجود دارد، تغییرات مختلفی به وجود می‌آورد که یکی از آنها برابری انسان‌هاست. آن حضرت می‌فرمایند: عرب را بر عجم و عجم را بر عرب هیچ برتری نیست مگر به تقوا؛ زیرا همه شما فرزندان آدمید و آدم از خاک آفریده شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۴). اصل برابری، ضمن طرد حس برتری‌جویی و خودبزرگ‌بینی، امکان گفت‌وگو و تعامل بدون خشونت را پدید می‌آورد و این سنتی آزموده است که وقتی در جامعه‌ای گفت‌وگو حاکم باشد، پیشرفت نیز دیده می‌شود.

مطلب مهم در این زمینه، حضور پرتلاش رسول خدا ﷺ برای تحقق عدالت است. در نظام حکومتی نبوی ﷺ تبعیض قبیله‌ای، قومی و نژادی مردود است. آن حضرت با الهام از منبع وحی الهی، عدالت اجتماعی را جای‌گزین اشرافیت عربی و تبعیضات رایج در جامعه طبقاتی جاهلی کردند. پیامبر ﷺ دیوارهای بی‌عدالتی را فروریختند و نظام عادلانه را برای بشر به تصویر کشیدند که در آن بردگانی چون سلمان فارسی و بلال حبشی و صهیب رومی جز اصحاب برجسته می‌شوند و به مقامات بلند می‌رسند.

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.»

۲. «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ؛ و فرمان یافته‌ام که میان شما به عدالت رفتار کنم.»

عدالت‌مداری در جامعه نبوی اقتضا دارد که با فقر، تبعیض و فاصله طبقاتی مبارزه شود. پیامبر ﷺ کمترین بی‌عدالتی را برناتفتند و کوشیدند با رعایت عدالت، حق مظلومان را از اشراف بستانند و ضمن فقرستیزی، اشرافیگری را نیز منسوخ کنند.^۱

پیامبر ﷺ با اصحاب و یاران خود آن‌چنان با عدالت رفتار می‌کردند که حتی در نگاه خود به یارانش تبعیض قائل نمی‌شدند و در جلساتی که با آنان داشتند به هریک از صحابه به‌طور یک‌سان می‌نگریستند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۷۱). پیامبر ﷺ علاوه بر آنکه خودشان در خصوص توجه و محبت به دیگران به عدالت رفتار می‌کردند، دیگران را نیز به آن امر می‌فرمودند و در مواردی نیز به دیگران به دلیل عدم رعایت عدالت انتقاد می‌کردند. برای نمونه، در خصوص فردی که یکی از دو فرزندش را بوسید و دیگری را نبوسید، فرمودند: «فَهَلَا سَاوَيْتَ بَيْنَهُمَا؛ چرا بین آن دو به تساوی و عدالت رفتار نکردی؟» ایشان پدر و مادر را به رعایت عدالت بین فرزندان تشویق می‌کردند (طبرسی، ۱۳۹۲ق: ۲۲۰).

رفع تبعیض جنسیتی و رعایت عدالت در حق زنان در کنار مردان نیز از مصادیق توجه رسول خدا ﷺ به این موضوع است. در دولت نبوی ظلم و تبعیض آشکار به زنان، جای خود را به منزلت‌بخشی به مقام زن و نقش‌آفرینی و حضور چشمگیر زنان در حوزه اجتماعی و سیاسی داد و زنان در عرصه‌های مهمی چون بیعت (مانند بیعت عقبه دوم، رضوان، فتح مکه و غدیر خم)، هجرت (به حبشه و مدینه) و جهاد توانایی خویش را اثبات کردند (زمانی محجوب، ۱۳۹۱).

علم و معرفت

امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج‌البلاغه، درباره فلسفه ارسال رسولان می‌فرماید:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ.

۱. در آغاز ورود پیامبر به یثرب، بسیاری از اشراف و اعیان شهر کوشیدند حضرت را میهمان خانه خود کنند، لکن حضرت نپذیرفتند و بر خانه ابویوب انصاری، یکی از فقیرترین ساکنان مدینه، وارد شدند.

خدا رسولان خویش را در میان مردم برانگیخت و پیامبران را پی‌درپی به‌سوی مردم فرستاد تا پیمان فطرتش را از انسان‌ها بازگیرند و نعمت فراموش‌شده را به یاد آنان آورند و با تبلیغ بر آنها احتجاج کنند و گنجینه‌های عقل را آشکار کنند.

در این خطبه، حضرت معلومات عقلی را به دَفینه‌ها و گنج‌های پنهان تشبیه کرده و یکی از وظایف پیامبران را برانگیختن و برملا کردن این گنج‌ها دانسته‌اند، که بدون تذکر و برانگیختن پیامبران، آدمی از این معلومات غافل است و بدان توجه ندارد و پیامبران توجه انسان را به این آگاهی‌ها جلب می‌کنند. بنابراین یکی از کارهای پیامبران، به فعلیت درآوردن عقل و معلومات فطری بشر است (شمس‌الدین، ۱۳۸۰: ۴۲). با نگاهی به سیره نبوی روشن می‌شود که پیامبر اسلام ﷺ نیز در دعوت مردم به اسلام، اصالت را به عقل و معرفت دادند و در جهت شکفتن استعدادهای عقلانی انسان و رشد و بالندگی فکری آنها کوشیدند. بر همین اساس، مقام معظم رهبری، پایه همه‌چیز را در نظام نبوی، دانستن و شناختن و آگاهی می‌داند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸).

از نشانه‌های شخصیت تمدن‌ساز پیامبر ﷺ، پرورش روح پرسشگری، سؤال‌گرایی عالمانه و معرفت‌جویانه در مردم و پاسخ‌گویی مبتنی بر دلیل و برهان به سؤال‌ها و شبهات است که این موضوع در سراسر آیات قرآن و سیره عملی پیامبر ﷺ تجلی دارد. پیامبر سؤال را کلید دانش و نیمی از علم می‌دانستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۲۴). آن حضرت مشوق بی‌چون‌وچرای تعلیم و دانش، و بی‌گفت‌وگو، نخستین معلم مسلمانان بودند. ترغیب به علم‌اندوزی و توصیه برای کسب و نشر علم در سیره علمی و عملی پیامبر اکرم ﷺ^۱ تبلوری شگفت‌انگیز دارد. در سیره نبوی، برای فراگیرنده علم و پیشه، هیچ‌گونه محدودیت زمانی و مکانی قابل تصور نیست و قلمرو موضوعی و جوب تعلم نیز مختص به دانش‌ها و پیشه‌های دینی نیست، بلکه هر دانش و پیشه‌ای که حفظ نظام جامعه مسلمان بر آن متوقف باشد، واجب است.^۲ توصیه‌های اکید پیامبر ﷺ به آموختن دانش موجب شد مسلمانان آموختن علم

۱. دستور پیامبر اعظم برای آزادی اسیران باسواد جنگ بدر، که به‌عنوان فدیّه، خواندن و نوشتن به مسلمانان آموختند (دیاربکری، ج ۱: ۳۹۵)، نمونه آشکاری از توجه رسول خدا به حوزه علم و دانش است.

۲. برخی احادیث بیانگر جایگاه والای دانش و بازتاب نیکوی آن در سیره نبوی‌اند؛ مانند «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ؛ اَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ، قَلِيلُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعِبَادَةِ، الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ؛ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ يَتَعَلَّمَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ عِلْمًا ثُمَّ يَعْلَمَهُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ» (ر. ک. کاشانی، ۱۳۳۹، ج ۱: ۲۲).

را به مثابه هدف تلقی کنند و بکوشند به هر طریقی بدان دست یابند و بدین ترتیب سنگ بنای تمدن اسلامی نهاده شود.

گیورگیو در کتاب محمد؛ پیغمبری که از نو باید شناخت،^۱ ضمن اشاره به نخستین آیات نازل شده بر پیامبر ﷺ (آیات یک تا چهار سوره علق)، که همراه با سفارش به خواندن و تجلیل از علم و دانش است، می‌نویسد:

در هیچ‌یک از ادیان بزرگ این اندازه برای معرفت اهمیت قائل نشده‌اند و هیچ دینی را نمی‌توان یافت که در مبدأ آن، علم و معرفت این قدر ارزش و اهمیت داشته باشد. ... من به مسلمان‌ها تهنیت می‌گویم که در مبدأ دین آنها کسب معرفت این قدر با اهمیت تلقی شده و یک عده از علمای مسلمان، در گذشته با اتکا به همین سوره، علم را از واجبات دین می‌دانستند و عقیده داشتند همان طور که یک مسلمان باید نماز بخواند و روزه بگیرد، مکلف است که تحصیل علم کند (گیورگیو، ۱۳۴۳: ۴۵).

در اینجا ذکر چند نکته ضروری است: نخست، پایه‌ریزی نظام آموزشی و تربیتی توسط پیامبر ﷺ بر پایه عقلانیت و تدبیر بود و این نظام، دگرگونی عمیق فکری و آموزشی را پدید می‌آورد؛ دیگر آنکه پیامبر ﷺ همواره تعلیم را همراه تزکیه توصیه کرده‌اند. بدون تزکیه، علم هم مفید نخواهد بود و ابزاری برای فساد و گمراهی می‌شود؛ چنان‌که علم امروز دنیای غرب، بیشتر مایه سقوط و استثمار بشر شده است تا تعالی و پیشرفت وی. بر همین اساس، تزکیه یکی از پایه‌های اصلی تمدن‌سازی نبوی است و پیامبر ﷺ به تربیت و تزکیه یکایک افراد توجه داشتند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸)؛ نکته آخر اینکه پیامبر ﷺ در سرزمینی که هیچ نشانی از رشد فکری و گسترش علمی بروز نیافته بود، توصیه به تعلیم و کسب دانش کردند. در دوران جاهلیت در شبه جزیره عربستان، علم و دانش، رونقی نداشت و تعداد باسوادان بسیار کم (حدود هفده نفر) بود (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۷۳)؛ اما پیامبر اکرم ﷺ از راه‌هایی مانند ایراد خطابه‌ها، پند و موعظه، ارشاد و راهنمایی مسلمانان یا از طریق

۱. کونستان ویرژیل گیورگیو (۱۹۱۶م)، مستشرق رومانیایی است که در این کتاب شخصیت جدید و برجسته‌ای از پیامبر اسلام ارائه می‌کند. البته عنوان کتاب که حکایت از لزوم بازنگری در نحوه شناخت پیامبر اسلام داشت موجب واکنش‌های متفاوتی شد؛ از جمله در سال ۱۳۴۷ کتابی با عنوان محمد؛ پیغمبر شناخته‌شده توسط محمدعلی انصاری در رد و پاسخ به این کتاب منتشر شد.

قرائت قرآن و سفارش به نوشتن آن، نوشتن حدیث، مکاتبه و فرستادن مبلّغان اسلامی به سایر سرزمین‌ها، همواره مسلمانان را به علم‌آموزی و خواندن و تعلم و فراگیری دانش تشویق می‌کردند (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۴). به تشویق رسول‌الله ﷺ، زید بن ثابت زبان عبری یا سریانی (یا هر دو) را آموخت یا فردی مانند «عبدالله بن عباس» بنا بر نقل مشهور، با کتاب‌های تورات و انجیل آشنایی یافت یا «عبدالله بن عمرو عاص» به کتاب تورات و به قولی به زبان سریانی وقوف پیدا کرد (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۲۷). با این اقدامات، رسول خدا ﷺ در جهنم جزیره‌العرب، بهشت سرزمین‌های اسلامی را بنیان نهادند (مدرسی، ۱۳۸۵: ۷۷).

به اشاره شهید مطهری، همین تأکیدها و تشویق‌های درباره علم، زمینه‌های لازم را برای رشد علم و دانش در میان مسلمان‌ها در ادوار بعدی فراهم آورد و زمینه‌ساز شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی شد (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۶۳).

وحدت و برادری

یکی از اصول تمدن، وحدت است و تمدن بدون وحدت، تشتت است. جامعه اسلامی به‌مثابه پیکری واحد، نیازمند پیوند و هم‌بستگی افراد و گروه‌هاست و هرچه این هم‌بستگی و اخوت ایمانی فزونی یابد، امکان تحقق فضایل بیشتری در میان مردم میسر می‌شود و همین سبب رفع بسیاری از مشکلات اجتماعی و درنهایت پیشرفت جامعه می‌شود. بر همین اساس، در مقوله تمدن‌سازی، حفظ وحدت و یک‌پارچگی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا هر تمدنی در مسیر شکل‌گیری خود به هم‌بستگی نیاز دارد؛ که ابن خلدون از آن به‌عنوان «عصبیت» هم‌بستگی اجتماعی یاد می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۵۲، ج ۱: ۲۴۸).

تعصب‌های خرافی و غرور قبیله‌ای و ایجاد فاصله طبقاتی و قومی میان مردم، مهم‌ترین بلای جامعه متعصب و جاهلی آن روز عرب بود. اقدام مهم و اساسی پیامبر ﷺ در آغازین سال حکومت نبوی، پس از ساخت مسجد و پیمان‌نامه عمومی مدینه، انعقاد پیمان مؤاخات میان مسلمانان،^۱ هشت ماه پس از ورود به مدینه بود (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۰؛

۱. از گزارش‌های تاریخی چنین به دست می‌آید که در یک مجلس حدود ۴۵ تن انصاری با ۴۵ تن از مهاجران، با یکدیگر عقد مؤاخات بستند. در ادامه با ورود مهاجران جدید، عقد اخوت استمرار یافت؛ به‌طوری‌که به نقل بلاذری هیچ مهاجری بدون برادر وانهاده نشد (بلاذری، ۱۹۷۴م، ج ۱: ۲۷۰-۲۷۱).

ابن قتیبه، ۱۴۱۵ق: ۱۵۲). این اقدام رسول خدا ﷺ در جهت نزدیک کردن قلوب مسلمانان به یکدیگر، پر کردن خلأ قطع ارتباط مهاجران با خویشاوندان مشرک خود، و همچنین کاستن از پیمان‌ها و حلف‌های جاهلی، و جای‌گزین ساختن مهر و محبت به جای حقد و کینه و درنهایت ایجاد وحدت و برادری میان مسلمانان نقش بسزایی داشت.

افزون بر عقد اخوت سال نخست هجری، که دو به دو میان مسلمانان برقرار شد، در سال نهم هجری پیمان اخوت عمومی تمامی مؤمنان با یکدیگر صورت گرفت که در سورة حجرات بر آن تأکید شده است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰).

در حقیقت مؤمنان باهم برادرند. پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید.

در مؤاخات عمومی مسلمانان بر پایه ایمان به توحید، اطاعت از فرمان‌های الهی، اقرار به نبوت پیامبر ﷺ و عمل به آموزه‌های اسلام، برادر خوانده شده‌اند تا پشتیبان همدیگر باشند (شیخ طوسی، ۱۳۸۹ق، ج ۹: ۳۴۴).

پیامبر اسلام ﷺ، ضمن توجه دادن مسلمانان به آیات الهی در باب وظیفه و مسئولیت مسلمانان در برابر یکدیگر به‌عنوان برادران دینی (انفال: ۷۲)، کوشیدند با پی‌ریزی هویت دینی به جای هویت قبیله‌ای و قومی، مفهوم برادر دینی را از مفهوم برادر سنتی رایج میان جامعه عرب جدا کنند.^۱

پیامبر ﷺ در ایجاد تمدن اسلامی به سمت ساخت نهادسازی اجتماعی رفتند و بستر جدیدی را هم در حوزه سیاسی بر محور ادبیات امت واحده اسلامی ایجاد کردند که برخلاف نظام قبیله‌ای دوران جاهلیت بود. پیامبر اسلام ﷺ با ایجاد اخوت، موانع وحدت اجتماعی را از بین بردند و شرایطی را فراهم کردند که به یک‌سان‌سازی اجتماع مسلمانان و هم‌بستگی و برادری آنها انجامید. ایجاد پیمان‌نامه برادری (عقد اخوت)، تلاش اندیشمندانه‌ای برای ایجاد هویت یک‌پارچه برای جامعه مسلمانان بود. رسول‌الله ﷺ در سایه این هم‌بستگی و وحدت

۱. اهمیت مقام برادری در کلام پیامبر ﷺ چنان است که می‌گوید: هیچ عملی را بیش از سه کار دوست ندارم و یکی از این سه کار همیاری و برادری دینی در قبال برادران دیگر است (ر. ک. یعقوبی، ۲۵۳۵، ج ۱: ۴۹۷).

بود که توانستند امت واحد را تشکیل دهند و به گفته آرسترانگ، دین و تمدنی مبتنی بر صلح و آشتی و احترام به همدیگر بنا نهند^۱ (آرسترانگ، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

در فضای صمیمیت و برادری و همدلی نظام نبوی، درگیری‌های برخاسته از انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و... مطرود است (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸) و یکی از اساسی‌ترین اقدام‌های رسول خدا ﷺ، نفی ارزش‌های جاهلی بود. نظام شیخوخیت و عصبیت قومی و نژادی که در شبه‌جزیره عربستان در تمام شئون زندگی مردم سایه انداخته بود، با تلاش‌های پیامبر ﷺ، از جامعه اسلامی زدوده و حقد و کینه و دشمنی از فضای جامعه طرد شد. به عقیده رهبر معظم انقلاب، هنر پیامبر ﷺ در این بود که فضای ناسالم بی‌توجهی و بی‌احترامی به هم را به فضای مهر و محبت و همکاری و برادری تبدیل کردند، و این همان چیزی است که امروزه در نظام خود به آن احتیاج داریم (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۸).

باتوجه به فضای متنوع، چندفرهنگی و چندمذهبی در دنیای اسلام و شکاف‌های انسانی حاصل از آن در جهان امروز، ما باید در آثار بزرگان و همچنین خوانش‌های دینی‌مان از ادبیات قرآنی و روایی به دنبال کلیدواژه‌هایی از بحث اخوت بگردیم تا بتوانیم برنامه‌ای برای ترمیم این شکاف‌ها طراحی کنیم،^۲ و بی‌گمان تمسک به سیره نبوی مهم‌ترین عامل خواهد بود. افزون بر الگوپذیری از سیره نبوی در وحدت اسلامی، خود وجود مقدس نبی مکرم اسلام ﷺ، بزرگ‌ترین محور و مایه وحدت در ادوار تاریخ اسلام بوده و چون اعتقاد همه مسلمانان به پیامبر ﷺ با عاطفه و عشق و ایمان توأم است، از موجبات انس دل‌های مسلمین و فرق اسلامی با یکدیگر نیز به‌شمار می‌آید (ر. ک. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۴).

۱. نکته مهم این است که همین رفتار پیامبر زمینه تزریق روح تساهل و تسامح در جهان اسلام بین اقوام و امت‌های گوناگون، و همزیستی مسالمت‌آمیز عناصر نامتجانس و همکاری لازم آنان را برای رونق تمدن اسلامی فراهم آورد (زرین‌کوب، ۱۳۹۱: ۲۵).

۲. دیدگاه و تحلیل آیت‌الله جوادی آملی و امام موسی صدر در زمینه «اخوت انسانی»، نمونه‌ای از این رویکردهای جدید به موضوع اخوت، مبتنی بر مسائل روز جهان اسلام است (بابایی، ۱۳۹۷).

اخلاق

بین اخلاق و تمدن پیوند وثیقی هست. بسیاری از اندیشمندان و فیلسوفان، اخلاق را عنصر کلیدی در تمدن قلمداد کرده‌اند (اشویتسر، ۱۹۹۷م: ۳۴).

اخلاق جزء لاینفک سیره نبوی است. فلسفه بعثت پیامبر ﷺ تکمیل و نشر فضایل و مکارم اخلاقی است. از آنجاکه رسول خدا ﷺ مظهر تمامی فضایل و سجایای اخلاقی و شایسته «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) بودند، خداوند متعال نیز به ایشان فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲).

امیر مؤمنان علی (ع)، در پاسخ فرزندشان حسین (ع) درباره ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ فرمودند:

رفتار پیامبر ﷺ با هم‌نشینانش چنین بود که دائماً خوش‌رو و خندان و سهل‌الخلق و ملایم بود؛ هرگز خشن و سنگ‌دل و پرخاشگر و بدزبان و عیب‌جو و مدیحه‌گر نبود؛ هیچ‌کس از او مأیوس نمی‌شد و هرکس به در خانه او می‌آمد نومید باز نمی‌گشت. سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود، و سه چیز را درباره مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی‌کرد و سرزنش نمی‌فرمود و درباره لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جست‌وجو نمی‌کرد. هرگز سخن نمی‌گفت مگر در مورد اموری که ثواب الهی را امید داشت. در موقع سخن گفتن به قدری نافذالکلمه بود که همه سکوت اختیار می‌کردند و تکان نمی‌خوردند و هنگامی که ساکت می‌شد، آنها به سخن درمی‌آمدند، اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی‌کردند. ... هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می‌گفت و درخواستی می‌کرد، تحمل می‌نمود و به یارانش می‌فرمود هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد، به او عطا کنید، و هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش پایان گیرد (شیخ صدوق، ۱۳۷۹ق: ۸۳).

فضایل اخلاقی رسول اکرم ﷺ، افزون بر محیط خانواده و بستگان و خویشان، در سطح جامعه و در روابط اجتماعی آن حضرت نیز نمودی چشمگیر داشت و همین مسئله موجب جلب قلوب مردم به دین اسلام و آموزه‌های دینی می‌شد. درواقع، اگر این اخلاق کریمه نبود، مردم عقب‌مانده جاهلی و آن جمع خشن انعطاف‌ناپذیر در آغوش اسلام قرار نمی‌گرفتند و گفتمان تمدن‌ساز اسلام شکل نمی‌گرفت. قرآن به این بعد از اثربخشی

سجایای اخلاقی پیامبر ﷺ در جلب قلوب تشنگان حقیقت تصریح کرده است: «و چنانچه سنگ‌دل و خشن بودی، از گردت پراکنده می‌شدند.»^۱ حضرت مشرکان را بیمارانی می‌دانستند که نیازمند طبیبی دل‌سوز برای معالجه و مداوایند. از این رو، بسیاری از مخالفان سرسخت رسول گرامی اسلام ﷺ پیش از آنکه با منطق زبان یا اجبار تسلیم شوند، از درون مقهور عظمت اخلاق نیکوی ایشان می‌شدند.

به گفته توماس کارلایل، پیامبر اسلام ﷺ بی‌قانونی و هرج و مرج را با نظم و تمدن جای‌گزین کردند و قوانین مدنی و اخلاقی را عرضه فرمودند (کارلایل، ۱۳۱۸: ۵۴ و ۷۵). پیامبر ﷺ در راستای صلاح اخلاقی و رفتاری جامعه به تعلیم و تربیت مردم توجه ویژه داشتند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸). قرآن تصریح دارد پیامبر ﷺ افزون بر تعلیم و آموختن احکام و مقررات زندگی، چشم‌های آنان را نیز روی حقایق عالم باز کردند؛ که از آن تعبیر به حکمت می‌شود:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه: ۲).

اوست آن‌کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد؛ و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در اینجا توجه به دو نکته ضروری است: نخست اینکه خلق نیکوی پیامبر ﷺ، از اسباب پیشرفت اسلام بوده است. از این رو، برای تبلیغ اسلام و ترویج باورهای دینی، خلق نیکو بسیار مفید و اثرگذار است؛ دیگر آنکه در دنیای امروز که اخلاق گم‌شده بشر گشته و بحران‌های اخلاقی برای بشر مشکل‌ساز شده، روی آوردن به اخلاق پیامبر ﷺ بسیار راه‌گشا و کارساز است.

اقتدار و عزت

اقتدار لازمه شکوفایی تمدن در هر جامعه‌ای است و پیشرفت و توسعه در تمام ابعاد

۱. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ ۚ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران: ۱۵۹)؛ به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند.»

سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، در سایه ثبات و اقتدار و عزت به وجود می‌آید. پیامبر مکرم اسلام ﷺ در شرایط سختی موفق به برقراری اقتدار همراه با عزت در قالب دین اسلام شدند. در دورانی که مشرکان برای خاموش کردن مشعل اسلام به هر شگردی دست یازیدند و حتی با پیشنهادهای واگذاری مال و منال و مقام کوشیدند رسول خدا ﷺ را از عقیده‌شان و مقابله‌شان با بت‌پرستی بازدارند، ایشان با عزتمندی در برابر خواسته‌های آنان مقاومت کردند و حتی یک گام عقب نشستند. پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه نیز، به‌رغم فشارهای اقتصادی و سیاسی دشمن، هرگز ذره‌ای ضعف و سستی از خود نشان ندادند و دست نیاز به‌سوی دشمن دراز نکردند (الهامی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۱۶). در بحبوحه جنگ احد و پیروزی ظاهری مشرکان، وقتی ابوسفیان و یارانش شعار «أَعْلُ هُبَلٍ» (سر بلند باد بت هبل) دادند، پیامبر ﷺ به یارانشان دستور دادند فریاد بزنند: «اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلٌ» (خداوند برتر و بزرگ‌تر است). پیامبر ﷺ حتی در سخت‌ترین شرایط جنگ احزاب نیز از موضع اقتدار با دشمن برخورد می‌کنند و هنگام حفر خندق، فتح حیره و شام و یمن را وعده می‌دهند^۱ و مسلمانان را به آینده امیدوار می‌کنند. به تصریح قرآن، عزت تنها از آن خدا، پیامبر ﷺ و مؤمنان است.^۲ جامعه و نظام نبوی وابسته و نیازمند نیست و در برابر دشمنان سر تعظیم فرود نمی‌آورد. این باور باعث قوت قلب و استقامت در مسیر رشد و پیشرفت می‌شود.

تلاش و حرکت

آخرین شاخص تمدنی در نظام حکومتی رسول خدا ﷺ، توجه به تلاش و حرکت است. به

۱. منابع تاریخی به نقل از سلمان فارسی می‌نویسند: در اثنای حفر خندق که مسلمانان هریک مشغول کندن بخشی از خندق بودند، روزی به قطعه سنگ سخت و بزرگی برخورد کردم که کلنگ در آن اثر نمی‌کرد. رسول خدا که نزدیک من بود و دید که هرچه می‌زنم آن سنگ از جا کنده نمی‌شود، شخصاً وارد خندق شدند و کلنگی به دست گرفتند و سه بار به سنگ زدند، که هر بار برقی جهید. سلمان از این ماجرا سؤال کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: جرقه اول نشانه آن بود که خداوند یمن را برای ما فتح می‌کند و جرقه دوم نشانه فتح شام و مغرب بود و جرقه سوم نشانه فتح مشرق بود (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳: ۲۳۰؛ واقدی، بی‌تا، ج ۲: ۴۵۰).
 ۲. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» (منافقون: ۸).

فرموده مقام معظم رهبری، در نظام نبوی توقف معنا ندارد؛ به‌طور مرتب حرکت، کار و پیشرفت هست (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۲۸). پیامبر اسلام ﷺ، به‌رغم مشکلات و تهمت‌ها و آزارهای فراوان از سوی دشمنان، از حرکت خود بازنیستادند و با تحمل سختی‌ها، بهترین موفقیت‌ها را به دست آوردند که اوج آن تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بود؛ حال‌آنکه اگر در دوران مکی که حتی اجازه تبلیغ هم نداشتند از تلاش و حرکت باز می‌ایستادند، هیچ‌گاه اسلام به آن مجد و عظمت دوران مدنی نمی‌رسید و در همان آغاز کار از بین می‌رفت.

پیامبر خدا ﷺ در مسیر حرکت جامعه به‌سوی رشد و پیشرفت، همه مسلمانان را به کار و تلاش بی‌شائبه فرامی‌خواندند و بر همین اساس، دست سعد انصاری را که برای تأمین مخارج خانواده‌اش سخت کار کرده بود بوسیدند و فرمودند: «آتش به این دست نمی‌رسد» (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲: ۲۶۹). وقتی این نگرش در جامعه جاری و ساری شد، کار ارزش تلقی می‌شود و در تحقق توسعه و شکوفایی اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود (توحیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۵۹). پیامبر ﷺ برای ایجاد فضای کار و تلاش در جامعه به حدیث و سفارش اکتفا نکردند و خودشان هم با روش‌های مختلف روحیه کار و تلاش را در مردم زنده فرمودند (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۸).

نتیجه‌گیری

صرف وجود ذخایر معارفی و حتی فضیلت‌های عقیدتی با همه ارزشی که دارد، مساوی تمدن اسلامی نیست، بلکه تمدن آن وجه عینیت‌یافته تعالیم اسلامی است که توأماً از دو جنبه مادی و معنوی برخوردار است و رسول خدا ﷺ در مدینه آن را تحقق بخشیدند. پیامبر اکرم ﷺ جامعه اسلامی را در حوزه سبک زندگی فردی و اجتماعی بر اصولی چون ایمان و معنویت، اخلاق، اخوت، تلاش و حرکت، و در حوزه مدیریتی بر اصولی چون عدالت، علم و معرفت، و عزت و اقتدار استوار ساختند و با توجه به این شاخص‌ها در حکومت خویش، «تمدن اسلامی» را بنا نهادند.

باتوجه به حرکت انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی، می‌توان با محور

قرار دادن شاخص‌های نظام حکومتی پیامبر ﷺ، با اطمینان بیشتری در مسیر رشد و پیشرفت قدم برداشت. همچنین، هرچند تا رسیدن به مقصود اصلی و تمدن نوین اسلامی فاصله بسیار داریم، باید این راه را طی کنیم؛ چنان‌که نهضت تمدن‌سازی پیامبر اسلام ﷺ هم یک‌دفعه پدید نیامد، بلکه حرکت تدریجی بود (ر. ک. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اقشار بسیج مستضعفین در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۱).

باتوجه به اهمیت الگوپذیری، گفتمان‌سازی و پیاده‌سازی سیره نبوی در جامعه در راستای تمدن‌سازی نوین اسلامی، پیشنهاد می‌شود چگونگی نهادینه کردن هریک از این شاخص‌ها در جامعه در پژوهش‌های مستقل دیگر بررسی شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی (بی‌تا). اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن سعد، محمد (بی‌تا). الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.

ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین (۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش). تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن قتیبه، ابی محمد عبد الله بن مسلم (۱۴۱۵ ق / ۱۳۷۳ ش). المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قم، منشورات الشریف الرضی.

ابن هشام، عبد الملك بن محمد (بی‌تا). السيرة النبوية، تحقیق مصطفی السقاء، ابراهیم الایباری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

آرامسترانگ، کارن (۱۳۹۵). محمد؛ پیامبری برای زمانه ما، ترجمه علیرضا رضایت، تهران، حکمت.

اشویتسر، آلبرت (۱۹۹۷ م). فلسفه الحضارة، ترجمه عبدالرحمن بدوی، بیروت، دار الاندلس.

انصاری، محمد علی (بی‌تا). محمد؛ پیغمبر شناخته‌شده، تهران، رشدیه.

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۷/۹/۷). نشست «اخوت انسانی در اندیشه امام موسی صدر»، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، دسترسی در: www.mehmnews.com/news/4418137.
بلادری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م). انساب الاشراف، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

بلادری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۸۸ م). فتوح البلدان، بیروت، دار ومکتبة الهلال.
بیات، علی و سمیه طلوع برکاتی (۱۳۹۳). «بایسته‌های منبع‌شناسی سیره نبوی»، دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، س ۴۷، ش ۲، ص ۲۰۹-۲۲۹.
توحیدی، محمدعلی (۱۳۹۶). مراحل و شیوه‌های توسعه در دولت نبوی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). انسان دویست و پنجاه ساله: بیانات مقام معظم رهبری پیرامون زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام، گردآوری و تنظیم مرکز صهبا [مؤسسه جهادی]، تهران، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی.

خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات مقام معظم رهبری، دسترسی در: www.khamenei.ir.
زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۴). تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت.
زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۱). کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
زمانی محجوب، حبیب (بهار ۱۳۹۱). «نقش زنان صدر اسلام در امر هجرت و بیعت»، فصلنامه معرفت (ویژه تاریخ).

شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۳۸۰). حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی، ترجمه محمدرضا ناجی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی (۱۳۷۹ ق). معانی الاخبار، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م). تفسیر التبیان، نجف، مکتبه الامین.
طبرسی، رضی‌الدین حسن (۱۳۹۲ ق). مکارم الاخلاق، قم، شریف الرضی.
فیض کاشانی، مولی محسن (۱۳۳۹). المحجه البیضاء، تهران، مکتبه الصدوق.
کارلایل، توماس (۱۳۱۸). زندگانی محمد (ترجمه از الیاس: قهرمانان)، ترجمه ابوعبدالله زنجانی، تبریز، کتاب‌فروشی سروش.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

گیورگیو، کونستان ویرژیل (۱۳۴۳). محمد؛ پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران، مجله خواندنی‌ها.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.

مدرسی، محمدتقی (۱۳۸۵). محمد؛ قدوه و اسوه (محمد؛ پیشوای نمونه)، ترجمه مهدی عبداللهی، قم، زمزم هدایت.

مشکانی سبزواری، عباسعلی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). «ظرفیت‌های تمدن‌سازی سیره نبوی»، دوفصلنامه اندیشه تمدنی اسلام، ش ۱، ص ۲۳۶-۲۶۳.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج ۲.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۶). معرفت جاودان (مجموعه مقالات سیدحسین نصر)، به اهتمام حسن حسینی، تهران، مهر نیوشا.

الهامی‌نیا، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۸۵). درس‌هایی از سیره محمد پیامبر اعظم، تهران، سازمان مطالعات و تحقیقات بسیج.

واقدی، محمد بن عمر (بی‌تا). المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۵۳۵). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



بازخوانی روایات ظهور از منظر نظم تمدنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

مهدی محمدی*

(۱۶۷-۱۹۱)

چکیده

طبق روایات اسلامی، تشکیل حکومت مهدوی در زمانی اتفاق می‌افتد که بی‌نظمی فراگیری جهان را دربرگرفته، و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، مقابله با این بی‌نظمی است. مسئله این پژوهش اثبات یا رد مسئله مهدوی و نیز سنجش میزان صحت روایات نیست، بلکه در پی یافتن نظم تمدنی آرمانی از دیدگاه مسلمانان در تمدن مهدوی است. از این رو، پژوهش حاضر در پی ارزیابی ابعاد نظم تمدنی دوران ظهور در روایات اسلامی است. برای این منظور، با روش پدیدارشناسی و با استفاده از واژگانی که مفهوم نظم را انتقال می‌دهند، نظم اخلاقی و نظم قانونی در تمدن مهدوی بررسی می‌شود. یافته‌های تحقیق روشن می‌سازد در ابتدای حکومت مهدوی، اجبار قانونی و پس از درونی شدن احکام و اخلاق اسلامی، اجبار وجدان جمعی نظام‌بخش تمدن مهدوی در دوران ظهور خواهد بود.

واژگان کلیدی: مهدویت، تمدن، نظم، عدل، اخلاق

* . استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، تهران، ایران - M.mohamadi.abu@gmail.com

مقدمه

در منابع اسلامی، مهدویت به عنوان امری قطعی مطرح شده که دنیا را پس از بی‌نظمی فراگیر و وحشتناکی به سوی نظم جهانی مبتنی بر احکام الهی حرکت می‌دهد و آرمان‌شهری پدید می‌آورد که ارزش‌های اسلامی در آن شکوفا می‌شود. طبق روایات، این شکوفایی در ابعاد مختلف زندگی بشر متجلی می‌شود؛ از جمله ابعاد علمی، اخلاقی و توسعه مادی. بدین ترتیب تصویری که از دنیای مهدوی ارائه می‌شود، تمدنی آرمانی است که در آن بسیاری از ظرفیت‌های اسلامی شکوفا می‌شوند. از آنجاکه هر تمدنی مبتنی بر نظام‌هایی پدید آمده تا امکان پیشرفت و رشد را برای آن فراهم آورند، تمدن مهدوی نیز باید از نظم برخوردار باشد. در اینکه مایه‌های نظم تمدن مهدوی از چه منبعی تأمین می‌شود، اشتراکی قطعی وجود دارد که منابع دینی طبق خوانش جدید مهدی^۱ اسلامی تأمین‌کننده ایدئولوژی نظم وی خواهند بود. اما مسئله این است که نظم اسلامی بیشتر در چه قالبی تجلی می‌کند.

اگرچه تعاریف متعددی از تمدن ارائه شده، نکته مشترک بین اندیشمندان آن است که تمدن نظم کلان جوامع بشری است. وجود نظم دقیق‌تر در شهرها به واسطه نهاد داوری و وجود قوانین ثانویه در آن سبب شده تا قانون، در وجود و عمل بدان، شاخصه تمدن تلقی شود. با وجود ضمانت اجرایی قانون و کارکرد آن در تأمین نظم در جوامع بشری، اخلاق نیز به عنوان منبعی فراگیر جهت تأمین نظم با استفاده از اجبار درونی و شکل دادن به وجدان جمعی نقش مهمی در ایجاد نظم تمدنی دارد. بدین ترتیب نظام اخلاقی و نظام قانونی از عوامل نظم‌دهنده به تمدن به‌شمار می‌آیند. حال توصیفی که در منابع اسلامی از جامعه مهدوی ارائه می‌شود و بیشتر مورد توجه پژوهشگران حوزه مهدویت بوده، شکوفایی اخلاقی در دوران ظهور است. باتوجه به این نگاه و احادیث اخلاقی، این سؤال پدید می‌آید که عوامل نظم‌دهنده در تمدن مهدوی کدام‌اند و نسبت آنها در نظم دادن چگونه است.

در این پژوهش فرض بر آن است که هم نظم قانونی و هم نظم اخلاقی، عوامل

۱. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ﷺ اسْتَأْنَفَ دُعَاءَ جَدِيداً كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۲).

انتظام‌دهنده جامعه مهدوی‌اند. طبق شرایط زمانی در ابتدای تشکیل حکومت مهدوی طبق نیاز برای تربیت جامعه بی‌نظم، قوه قهریه و نظم قانونی ارجحیت داشته و با رشد جامعه و شکل‌گیری زمینه‌های تکامل اخلاقی، نظم جامعه را اخلاق و وجدان جمعی تأمین می‌کند. برای آزمون این فرضیات، این پژوهش تلاش دارد از روشی پدیدارشناسانه استفاده کند. در روش پدیدارشناسانه، محقق در پی فهم نگاه مسلمانان درباره مسئله نظم در دوران مهدوی است. از این‌رو نگاه مسلمانان به نظم در واژگانی جست‌وجو می‌شود که منعکس‌کننده مفهوم نظم‌اند. از این جهت توصیف شکل غالب بیان مسئله و ارزیابی مفهوم نظم است. ابزار این پژوهش منابع اسلامی و غالباً شیعی درباره جامعه مهدوی و حوادث مربوط به دوران ظهور است. در نهایت امید می‌رود محقق بتواند با استفاده از این روش، توصیفی از ماهیت نظم در ابعاد قانونی و اخلاقی در تمدن مهدوی ارائه دهد.

مفروض‌های این پژوهش در نظم تمدنی و تمدن دوران ظهور خلاصه می‌شود. فارغ از تأیید یا رد نظریات درباره نظم قانونی و نظم اخلاقی در نگاه کارکردگرایانه جامعه‌شناسی، این پژوهش موارد یادشده را به‌عنوان مفروض خود در عوامل به‌وجودآورنده نظم در تمدن قرار داده است تا از این جهت روشمندی بیشتری در فهم بهتر روایات اسلامی به نظم در دوران ظهور داشته باشد. درباره تمدن مهدوی نیز باید گفت اگرچه این تمدن هنوز عینیت نیافته، این پژوهش خارج از پرداختن به واقعیت یا عدم واقعیت آن با توجه به تصویری که منابع از دوران ظهور ارائه می‌دهند و توسعه شهرنشینی مبتنی بر حکومت بیان می‌دارند، آن را نماد تمدن مهدوی در اندیشه مسلمانان قرار داده است.

نظر به اینکه در جامعه کنونی ایران تمدن اسلامی و تمدن‌سازی نوین دغدغه تعداد قابل توجهی از نخبگان علمی ایران است، مقالاتی متعددی نوشته شده که درباره تمدن اسلامی و شکل آرمانی آن در دوران ظهور است. اما کمتر مقاله‌ای به نقش نظم در تمدن مهدوی و ابزار ایجاد نظم (قانون و اخلاق) اشاره کرده‌اند. با این حال استفاده از متغیرهایی مانند امنیت، قانون، اخلاق، پیشرفت و تمدن در این مقالات موجب شده پیشینه درخور توجهی که به موضوع این پژوهش نزدیک باشد در اختیار محقق قرار گیرد. هر یک از پژوهش‌های